

شهرنشینی متغیر: دیدگاهها، نظریات و تجربیات جهانی

دکتر سیدعباس رجایی^۱، دکتر احمد پوراحمد^۲، دکتر اسفندیار زبردست^۳

چکیده

مناطق شهری با مشخصه‌هایی چون دگرگونی و پویایی مداوم بنا به مقتضیات و شرایط اجتماعی و اقتصادی دچار تحولاتی می‌گردند. این تحولات و پویایی بنا به مقتضیات مکانی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت بوده و تحت فرایندها و سازکارهای خاص شکل و توسعه می‌یابند. مقاله حاضر از روش اسنادی و با به کارگیری متون مختلف، به بررسی مراحل توسعه مناطق شهری در سطوح ملی و کلانشهری از دیدگاه مدل شهرنشینی متغیر می‌پردازد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد مناطق شهری همانند شهرها در طی رشد و توسعه خود مراحل از رشد و توسعه را طی می‌کنند که این مراحل بر اساس مدل شهرنشینی متغیر در سه مرحله شهرنشینی، برگشت تمرکز و شهرگریزی مطرح می‌گردند. با استناد به بررسی مدل شهرنشینی متغیر در چند کشور با ساختارهای اجتماعی اقتصادی متفاوت این مدل می‌تواند به عنوان مدلی با توانایی تفسیر مراحل توسعه شهری در سطوح ملی و کلانشهری به کار گرفته شود. همچنین مرحله برگشت تمرکز در این مدل از مهمترین ویژگی‌های مدل به‌شمار رفته که تفسیر مناسبی از مراحل توسعه شهری خصوصاً در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌گان: شهرنشینی متغیر، شهرنشینی، شهرگریزی، برگشت تمرکز، توسعه شهری، مناطق کلانشهری.

۱. استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران: Sarajaei@ut.ac.ir

۲. استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران

مقدمه

در زمینه تحولات الگوی اسکان و شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته به تبع تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی، نظریه‌ها و الگوهای نظری مختلفی مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به منحنی که دیویس^۱ (S) در اواخر دهه ۱۹۸۱ عنوان کرد، مدل مراحل توسعه شهری جان شورت^۲ (۱۹۹۶)، چرخه شهرگرایی کلاسن^۳ (۱۹۸۱)، و همچنین الگوی برگ و دیگران^۴ (۱۹۸۲) اشاره کرد. به‌طور کلی از زمانیکه شهر به‌عنوان یک واحد جغرافیایی مورد مطالعه قرار گرفته. درباره چگونگی رشد شهرها مطالعات زیادی انجام شده است. از خلاصه و چکیده نظریات چندتن از محققین آمریکایی از جمله مکزی R.D.Mc Kenzie می‌توان استنباط کرد که رشد شهرها با شش کیفیت (تراکم، عدم تراکم، تفکیک نواحی مسکونی و هجوم و توالی) مرتبط است (سعیدی، ۱۳۷۴: ۹۴). براساس الگو یا مدل دیویس، یعنی منحنی (S) یا لوژستیک که به منحنی شهرنشینی نیز معروف شده است. شهرنشینی را در ساده‌ترین حالت آن می‌توان فرایند تمرکز جمعیت تعریف کرد، که پیامد اصلی این وضعیت افزایش سهم جمعیت ساکن در نقاط شهری است. در همین باره، شهرگرایی در نگاه اغلب محققان و از جمله بنیان‌گذار این مفهوم (بری ۱۹۷۶) جریان مقابل (آنتی‌تز) شهرنشینی محسوب می‌شود که نمایانگر تمرکززدایی جمعیت است؛ گو اینکه فرایند یاد شده به ندرت موجب کاهش سهم جمعیت شهری گشته است و بیشتر به‌عنوان فرایندی ملاحظه شده که موجب توزیع مجدد جمعیت از مراکز شهری بزرگ به مراکز شهری کوچک تر شده است، و یا اینکه به گسترش بیرونی مراکز شهری منفرد در حومه‌های اطراف آن دامن زده است (Pacione, 1999, 347) (به نقل از حاجی‌پور و زبردست، ۱۳۸۸).

از جمله رهیافت‌ها در زمینه توسعه شهری رهیافت چرخه عمر شهرهاست. در مدل توسعه تاریخی شهر، که یکی از اشکال آن چرخه حیات شهری است این اعتقاد وجود دارد که شهرها از یک چرخه عمر برخوردارند که از مرحله رشد جوانی تا مرحله پیری از کاهش مداوم جمعیت برخوردارند و منافع سرمایه‌گذاری‌های اولیه به‌طور فزاینده‌ای رو به کاهش می‌گذارد و

-
1. Davis
 2. John Short
 3. Klaassen
 4. Berg et al.

یا مکان اصلی شهر یا مقر شهر مناسب بودن خود را از دست می‌دهد و یا تغییر می‌کند. دومین تفسیر در این رهیافت شناسایی مراحل توسعه درونی و تمایز بین مرکز ساخته شده یک شهر و پیرامون یا جوامع پسرکرانه است. این رهیافت به وسیله هال معرفی شده است. کسی که چهار مرحله را برای توسعه نواحی متروپلیتن معرفی کرد که این مراحل با دوره تمرکز آغاز می‌گردد. در مرحله تمرکز مردم در مرکز به ضرر پیرامون تمرکز می‌یابند با ادامه یافتن دوره، تمرکززدایی نسبی و پس از آن عدم تمرکز مطلق بوجود می‌آید که سرعت رشد مرکز نسبت به پیرامون کاهش می‌یابد. سپس مرکز کاهش مطلق جمعیت را تجربه می‌کند، و در دوره پایانی که در آن ناحیه متروپلیتن تماما به سمت کاهش جمعیت حرکت می‌کند زیرا کاهش مرکز نسبت به پیرامون بیشتر و بزرگتر می‌گردد. در مطالعات دیگر که به وسیله کلاسن و دیگران انجام شد یک چرخه دورانی یا برگشتی به مدل اضافه شد (۱۹۸۱). در این فرایند برگشت تمرکز منجر به آغاز مرحله دوم چرخه می‌گردد که با تجدید دوباره رشد در سراسر متروپلیتن و تمرکز مجدد مرکز همراه است.

از جمله رهیافت‌های دیگری که در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار مطرح شد مدل شهرنشینی متغیر است که در آن ویژگی‌های زمانی شهرنشینی در سه مرحله شهرنشینی، برگشت تمرکز و شهرگریزی ارائه شد این مدل شهرنشینی را در قالب توالی زمانی رشد نخست شهری، شهرهای متوسط، و شهر کوچک مورد مطالعه قرار داده و شهرنشینی در هفت مرحله توسعه به‌عنوان زیرسیستم‌های سه مرحله اصلی به نمایش گذاشته می‌شود و امکان ارائه یک مقایسه برای سیستم‌های شهری را فراهم می‌کند. مطالعه شهرنشینی پس از ارائه مدل شهرنشینی متغیر توسط جیر^۱ و کانچولی^۲ وارد مرحله جدید شد. بر اساس این مدل شواهد مناسبی از مهاجرت‌های درون منطقه‌ای و درون شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جمع‌آوری شد. مفهوم شهرنشینی متغیر بر اساس مشاهداتی که از شهرگریزی در کشورهای توسعه یافته در دهه ۱۹۷۰ مشاهده شد وضع شد و شهرنشینی - برگشت تمرکز بر روی چارچوب شهرنشینی شهرگریزی حال قرار گرفت و برگشت تمرکز به‌عنوان یک مرحله میانی در بررسی تحولات

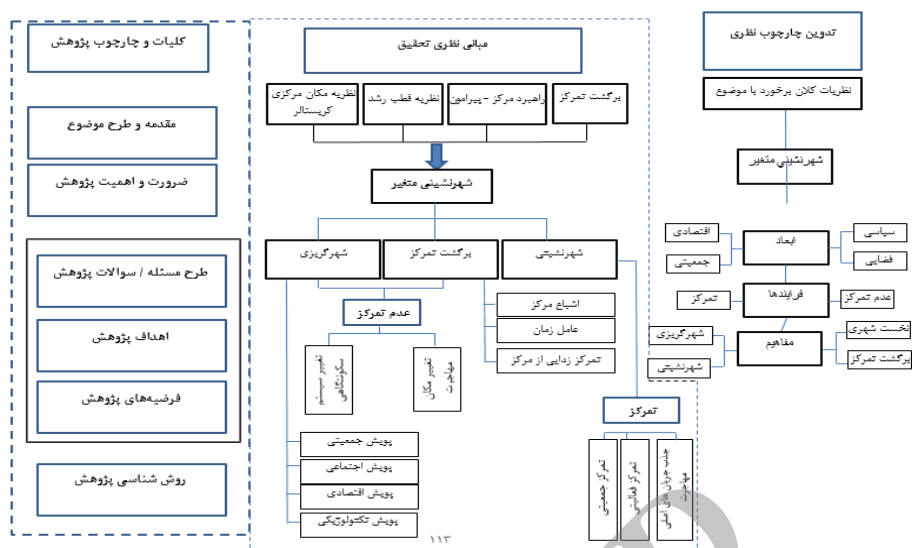
1.Geyer
2.Kontuly

سیستم سکونتگاهی پیشنهاد شد. این امر سبب شد تا بتوان سیستم‌های سکونت گاهی را در کشورهای مختلف با توجه به ساختارهای متفاوت اقتصادی و اجتماعی و همچنین تحولات متفاوت تاریخ شهرنشینی در یک مدل ارائه و مورد تحلیل قرار داد.

در این بررسی ضمن معرفی این مدل و اجزاء آن به بررسی مطالعات انجام شده بر روی کشورهای مختلف پرداخته شده است. هدف این بررسی معرفی اجزاء اصلی مدل، دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط و بررسی انطباق مدل فرایند شهرنشینی در کشورهای مختلف با توجه به ساختارهای متفاوت اقتصادی و اجتماعی است. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی ادبیات و مطالعات تجربی انجام شده در کشورهای مختلف، به بررسی رشد و توسعه مناطق شهری و امکان به کارگیری این مدل در تحلیل عملکرد مناطق کلانشهری بپردازد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت، دامنه و گستره موضوع مورد مطالعه روش تحقیق در این بررسی روش تحقیق اسنادی است. در این بررسی سعی شده است با استفاده از مطالعات اسنادی و مرور متون مرتبط با موضوع، اطلاعات و شواهد و نظریات ذی‌ربط در این زمینه گرد آوری، تجزیه و تحلیل و سپس جمع‌بندی شده و در انتها نیز کوشش گردیده است که با استفاده از تجربیات جهانی و نمونه‌هایی که به آزمایش این مدل در واقعیت پرداخته‌اند ابعاد اصلی مدل و اجزاء آن مشخص و نتایج تجربیات بررسی شده به‌عنوان کاربست و خروجی ارائه گردد. چارچوب نظری این بحث و فرایند بررسی و تحقیق در مدل زیر ارائه شده است.



نمودار ۱: چارچوب نظری پژوهش و فرایند تحقیق (منبع: نگارندگان)

بحث و یافته‌های تحقیق

فرایند شهرنشینی جزء اساسی از پویایی جوامع انسانی است. شهرها به واسطه تغییرات در توزیع فضایی جمعیت و منابع، منعکس‌کننده ارتباط متقابل نواحی شهری و روستایی، بخش‌های اقتصادی، طبقات و گروه‌های اجتماعی هستند (Bonifazi&Heins,2002,23). اما باید توجه داشت شهرها با سطوح شهرنشینی مشابه می‌توانند ساختار شهری متفاوتی داشته باشند (سیف‌الدینی، ۱۳۷۸: ۷۸). برای مثال در طول دهه ۱۹۷۰ چرخش از شهرنشینی به شهرگریزی در فرایند مهاجرت اتفاق افتاد و این پدیده در تعدادی از کشورهای توسعه یافته مشاهده شد (Beal, 1975; Berry, 1976; vining and strauss,1977; vining and kontuly,1978). بعدها در طول دهه ۱۹۸۰ شهرگریزی در برخی کشورهای توسعه یافته؛ ناگهانی و به صورت غیرمنتظره شروع شد و فروکش کرد (Geyer and Kontuly,2008,1). در برخی به نظر می‌رسید این فرایند ادامه پیدا کند و یا در برخی جاهای دیگر عمر کوتاه داشته باشد. از طرفی ممکن بود بار دیگر شهرگریزی به صورت کامل و تمام مشاهده شود (champion,1989; Geyer and Kontuly,2008). در همین زمان در نیروهای تمرکز اقتصادی کشورهای در حال توسعه پیشرو نشانه‌هایی از عدم تمرکز مشاهده شد که این فرایند با عنوان

برگشت تمرکز توسط هری ریچاردسون (۱۹۸۰؛ ۱۹۷۷) مطرح شد. اما بعدها مدل شهرنشینی متغیر توسعه یافت و برگشت تمرکز به عنوان مرحله‌ای از فرایند شهرنشینی و شهرگریزی در فرایند مهاجرت جهان سوم قرار گرفت (Geyer, 1995; Geyer and Kontuly, 2008).

در اکثر کشورهای پیشرفته نرخ رشد شهرنشینی بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۹۰ کاهش داشته است که این امر فرایند بازتوزیع جمعیت شهری یعنی رشد نسبتاً سریع شهرهای کوچک یا کاهش مطلق جمعیت شهرهای بزرگ را نشان می‌دهد. به‌طورکلی این روند باز توزیع جمعیت را بعضی از محققین شهرگریزی نامیده‌اند. در سال ۱۹۸۲ وان دن برگ برای مطالعه الگوی رشد در داخل مجموعه‌های شهری مفهوم چرخه شهرنشینی (شهرنشینی، حومه‌نشینی، شهرگریزی و شهرنشینی مجدد) را به کار گرفت (به نقل از یزدانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). برای اولین بار جی یر در سال ۱۹۸۹ در مقاله‌ای تحت‌عنوان شهرنشینی افتراقی در افریقای جنوبی و پیامدهای آن برای سیاستهای توسعه فضایی) نظریه شهرنشینی متغیر را به ادبیات مطالعات شهری و جغرافیای شهری وارد کرد. همچنین جی یر با همکاری کانچولی در مقاله‌ای بنیان‌های تئوریک شهرنشینی متغیر را به‌طور منسجم بیان کردند. این مدل از ۱۹۹۵ به بعد در مطالعات روند شهرنشینی در بعضی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به‌کار گرفته شده است (همان، ۵).

در مدل شهرنشینی متغیر فرض بر این است که شهرها در یک سیستم شهری ملی بر اساس اندازه جمعیتی تقسیم می‌شوند و این سیستم دوره‌های پی در پی افزایش و کاهش رشد را تجربه می‌کند. این تغییر در رشد جمعیتی به الگوی جریان‌های مهاجرت که در سطح ملی رخ می‌دهد، نسبت داده می‌شود. مدل شهرنشینی متغیر سه مرحله را نشان می‌دهد: ۱. شهرنشینی؛ ۲. برگشت تمرکز؛ ۳. شهرگریزی (Sorbino, 2010, 112). همچنین شهرنشینی متغیر با سه موضوع سرو کار دارد؛ اول، معرفی برگشت تمرکز به‌عنوان مرحله میانی توسعه شهری؛ بین تمرکز جمعیت (شهرنشینی) و عدم تمرکز جمعیت (شهرگریزی) دوم، مدل شهرنشینی متغیر نشان می‌دهد که جریان‌های اصلی مهاجرت و زیرجریان‌های به‌عنوان شاخص‌هایی از مراحل توسعه سیستم شهری در یک کشور است و صرف‌نظر از سطوح توسعه اقتصادی آن کشور به‌کار گرفته می‌شود. سوم، درک رابطه تولیدگرایی و محیط‌گرایی به‌عنوان نیروهای که جریان‌های اصلی و زیر جریان‌های مهاجرت را در کشورهای جهان سوم جلو می‌برد. صرف‌نظر از ترکیب عواملی که این دو نیرو را در این کشورها می‌سازد (Heikkila and kashinoro, 2009, 25).

فرایند شهرنشینی متغیر از لحاظ مفهومی با فرایند شهرنشینی یا تمرکز (U)^۱، برگشت تمرکز (PR^۲) و شهرگریزی (CU)^۳ در فرایند توسعه در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متصل می‌شود. نقطه برگشت؛ بین شهرنشینی و شهرگریزی (CU) قرار دارد. شهرنشینی با همگرایی اقتصادی و اجتماعی همراه است و شهرگریزی با واگرایی همراه است. در این فرایند نواحی بزرگ، متوسط و کوچک شهری با رشد سریع و آهسته بحث می‌شوند (Geyer, 2002, 91).

مراحل مدل شهرنشینی متغیر

در طول اولین مرحله که شهرنشینی مسلط است نسبت فعالیت‌های اقتصادی و جمعیتی در کشور، در تعداد محدودی از شهرهای مسلط با نرخ رشد بالا تمرکز می‌یابد و نظام شهری همراه با مراکز جدیدی که به مراتب پائین اضافه شده به‌طور شتابان گسترش می‌یابد (Pacione, 2001, 100). با ایجاد مراکز شهری جدید، مکان‌های جغرافیایی که موقعیت مناسبی دارند و به مراکز بزرگتر نزدیک هستند برای جذب توسعه شهری شانس بیشتری پیدا می‌کنند (Geyer, 2002, 241) این مرحله می‌تواند به سه قسمت تقسیم شود.

مرحله اول: تسلط شهری: که درجاتی از سلطه فضایی همه‌جانبه را درون نظام شهری ایجاد می‌کند و یک شهر بر سیستم شهری تفوق می‌یابد و نسبت بالایی از مهاجرت‌های درون منطقه‌ای را به خود جذب می‌کند (Pacione, 2001, 101).

مرحله دوم؛ مرحله میانی تسلط شهری: که به دنبال آن هنوز سرعت رشد شهر مسلط به صورت تک مرکزی است اما با اشکال بارز حومه‌نشینی، گره‌های حومه‌ای و شهرهای مسلط چند هسته‌ای در نتیجه مطلوبیت مکانی ممکن است ظاهر گردند. در این مرحله نخست شهر با نرخ فزاینده‌ای رشد می‌کند. به واسطه ویژگی‌های انحصاری، بعضی از شهرهای میانه اندام نسبت به دیگر مراکز شهری توسعه بیشتری می‌یابند (ibid, 101).

مرحله سوم؛ مرحله پیشرفته شهر مسلط: که در آن تسلط شهری به دلیل زیان‌های ناشی از

-
1. Urbanization
 2. polarization reverse
 3. counter urbanization

تجمع، ساختار نظام شهری تک مرکزی سلطه خود را از دست می‌دهد. به واسطه عدم تمرکز درون منطقه‌ای توسعه شهر مسلط ویژگی چند هسته‌ای یا مگاپلیتن پیدا می‌کند و تسلط ایستایی بر فضای اقتصادی پیدا خواهد کرد. توسعه سیستم شهری به‌عنوان یک کل ممکن است منجر به تبدیل یک یا چند شهر میانی به اندازه شهرهای فعلی شود (Pacione, 2001, 101).

مرحله رشد شهرهای میانی

کند شدن نرخ رشد شهرهای مسلط و عدم تمرکز فضایی جمعیت شهرها اغلب با رشد شهرهای میانی نزدیک به شهر اصلی همراه است. این برگشت تمرکز در تعدادی از کشورها مانند آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و برزیل مستند شده است. اگر چه اکثر کشورهای در حال توسعه هنوز با رشد شدید جمعیت، شهرنشینی با سلطه نخست شهری، و شهر محوری دائم در تخصیص بودجه توسعه مواجه‌اند. با وجود این مهاجرپذیری نخست شهر با همان نرخ بالای اولیه مدت زمان زیادی ادامه نمی‌یابد. در بعضی از گروه کشورهای در حال توسعه نسبتاً پیشرفته و گروه کشورهای توسعه نیافته در دهه ۱۹۷۰ آغاز کاهش نرخ‌های رشد نخست شهر مشاهده شده است. این کاهش با رشد بعضی از شهرهای متوسط اندام که در نزدیکی نخست شهرها قرار داشتند در ارتباط بوده است (Pacione, 2001, 104). این مرحله را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد:

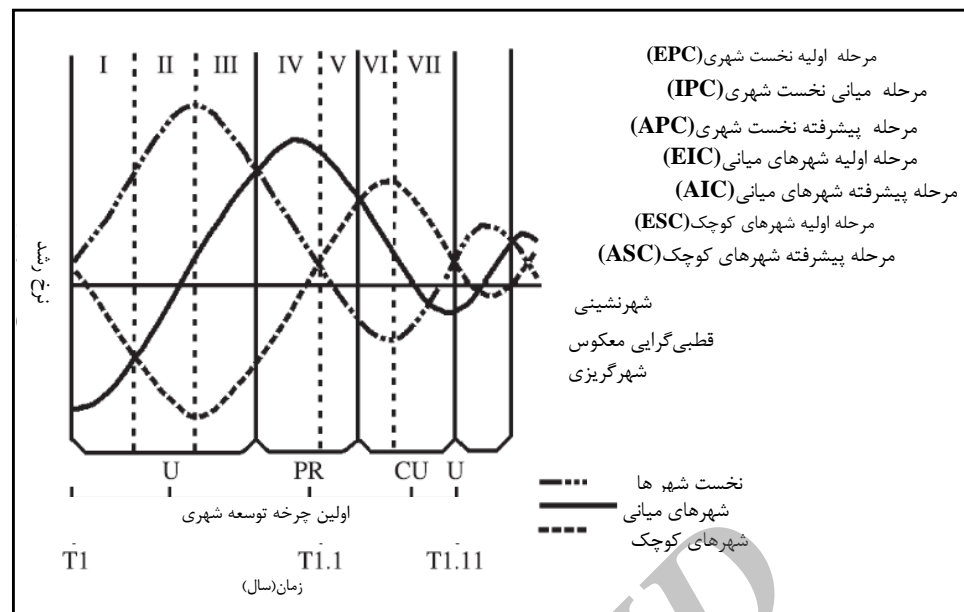
مرحله اولیه شهرهای میانی: که با رشد غیریکنواخت و اغلب محدود به چند شهر که به شهر مسلط نزدیک هستند ولی متصل نیستند؛ شروع می‌شود اگر چه شهر مسلط هنوز در وضعیت مطلق جذب جمعیت به سر می‌برد. در این مرحله کاهش جمعیت شهر مسلط نسبت به شهرهای میانی شروع می‌شود. مراکز حومه واقع در پیرامون کلانشهر مسلط به رشدی سریع‌تر از مرکز دست خواهند یافت (ibid, 104).

مرحله پیشرفته شهرهای میانی: که وارد مرحله حومه‌نشینی می‌شود. توسعه شهر مسلط در طول مرحله تسلط پیشرفته شهر مسلط با بازتولید رشد سریع جمعیت در شهرهای میانی در مقیاسی کوچک مشخص می‌شود. بعلاوه در تقابل با مرحله اولیه توسعه شهر میانی، همه مراکز واقع در منطقه متروپلیتن شروع به کاهش جمعیت در یک دوره مطلق می‌کنند و مرکز از پیرامون

جمعیت بیشتری از دست خواهد داد (Geyer, 2002, 240). علاوه بر آنچه در بالا شرح داده شد شاخص‌های مختلف برگشت تمرکز مشخص شده‌اند. این شاخص‌ها، شاخص‌های کمی محض چون جمعیت و شاخص‌های کیفی، همچون تولید ناخالص ملی، جنس، سن، سطح آموزش، و وضعیت اشتغال گروه‌های درآمدی و ترکیب عوامل منطقه‌ای رشد را شامل می‌شود (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸).

مرحله رشد شهرهای کوچک

مرحله شهرهای کوچک در ادامه مرحله قبل اتفاق می‌افتد که در طول آن عدم تمرکز از شهرهای مسلط و میانی به نفع مراکز کوچک اتفاق می‌افتد که ممکن است در نهایت، شهرهای کوچک رشدی بیشتر نسبت به شهرهای بزرگ و شهرهای میانی داشته باشند که به آن شهرگزیزی گفته می‌شود در پایان این دوره سیستم شهری به حد اشباع می‌رسد در نتیجه محدودیت‌های ساختاری و تکنولوژیکی، جمعیت روستایی نمی‌تواند بیش از این کاهش یابد و توقف مهاجرت‌های روستایی شهری فاکتوری مهم در چرخه شهرنشینی به‌شمار می‌آید. به جهت اینکه رشد جمعیت به واسطه افزایش طبیعی جمعیت در جوامع پیشرفته ممکن است کم باشد، رشد جمعیت عموماً کند است (Pacione, 2001, 105). به هر حال مدل نشان می‌دهد که مرحله شهرهای کوچک نه تنها در اولین چرخه توسعه شهری بلکه به دنبال رشد شهرهای کوچک، میانی و متروپلیتن اتفاق می‌افتد. به‌طور قابل توجهی مجموعه‌ای از نواحی متروپلیتن رشد بالا را در مهاجرت‌های خالص در طول دوره اول شهرنشینی تجربه می‌کنند که ممکن است در دوره دوم مشابه دوره اول این رشد را تجربه کند و ممکن است این امر را تجربه نکنند. مراکز شهری بزرگ این امکان را دارند که موقعیت تفوق و برتری خود را در سلسله مراتب شهری ملی و بین‌المللی نگاه دارند. با محدودیت‌های سرعت رشد نواحی شهری میانی در چرخه اول شهرنشینی، مجموعه جدیدی از مراکز متروپلیتن شکل خواهد گرفت (Pacione, 2001, 105).



شکل ۱: مراحل کلی شهرنشینی متغیر (Geyer and Kontuly, 1993)

شهرنشینی متغیر و مناطق کلانشهری

بر اساس مدل شهرنشینی متغیر در طول دوره اول، بیشترین رشد جمعیت در داخل سیستم شهری و در شهری اصلی عموماً پایتخت یک کشور است رخ می‌دهد، جایی که بیشتر جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی ملی متمرکز است. دومین مرحله، رشد شهرهای میانی است که بیشترین رشد جمعیت را نسبت به نخست شهرها به خود اختصاص می‌دهند. در همین زمان آنها به عنوان گره‌های جایگزین برای مکان‌یابی فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کنند. مهاجرت داخلی نه تنها به سوی نخست شهرهاست بلکه، به سمت شهرهای میانی نیز حرکت می‌کند. در نهایت، سومین مرحله شهرنشینی است، وقتی که نواحی کوچک بیشترین مهاجران را به خود جذب می‌کنند. منشأ این جریان مهاجرتی می‌تواند از روستاها باشد و دارای مشخصات حرکات مهاجرت‌های داخلی در زمان مرحله نخست شهری (شهرنشینی) و برگشت تمرکز در نواحی بزرگ باشد.

شهرنشینی متغیر نتیجه یکسری فاکتورهاست. به عنوان مثال تراکم غیر اقتصادی مناطق شهری، تغییر در ساختار بازار شهری همراه با مراحل لیبرال سرمایه‌داری، افزایش سطح آموزشی جمعیت، وجستجو برای محیطی امن‌تر برای جمعیت مهاجر و تغییر در هرم سنی همراه با

تحولات جمعیتی. این نکته قابل توجه است که رفتار اقتصادی یک کشور در گذار از یک مرحله به مرحله دیگر در این مدل دخالت داده نمی‌شود و بنابراین این عامل به‌عنوان یک کاتالیزور که در نهایت فرایند تغییر را تسریع یا تأخیر می‌بخشد، فرض می‌شود.

این پویایی به وسیله ایجاد نیروهای تمایل به مرکز به سوی نخست شهر توضیح داده می‌شود و نمود آن این است که به واسطه پیشرفت‌های زیرساختی و تکنولوژیکی در بخشی از قلمرو ملی مستحکم می‌شود. این به معنای عدم تمرکز درون منطقه‌ای جمعیت و فعالیت اقتصادی است. شهرهای میانی که بخشی از این عدم تمرکز درون منطقه‌ای است، تا اندازه‌ای مستقل عمل می‌کند. بنابراین خود این شهرها بازار کار دارند. همچنین پیوستار شهری (زنجیره شهری) در این نواحی پیوستگی با شهر اول ندارد (Champion, 2013, 34).

این نوع از تمرکز سرزمینی و فعالیت اقتصادی و روابط متقابل بین نواحی شهری با اندازه‌های مختلف و بین نواحی روستایی پیرامون آنها مگالاپولیس (گاتمن، ۱۹۶۱) نامیده می‌شود. یا مناطق شهری چند هسته‌ای (چامپین، ۲۰۰۱) می‌شود. یک منطقه کلانشهری قلمرو وسیعی است شامل یک منطقه کلانشهری بزرگ و نواحی شهری کوچکتر پیرامون در شعاع ۱۵۰ کیلومتری، یا تعدادی از شهرهای که همراه با تسلط یک شهری بر سایر شهرها نیست. در این آرایش فضایی سرزمینی یکسری روابط متقابل و وابستگی رخ داده و به واسطه توزیع مجدد جمعیت و فعالیت اقتصادی، و هم تولید تخصصی و هم پیچیدگی اجتماعی، نشان داده می‌شود (Sorbino, 2010, 113-114).

چامپین (۲۰۰۱) سه مشکل عمده را در شناسایی مناطق کلانشهری معرفی کرد: ۱. مقیاس فضایی که به آن تعلق دارد؛ ۲. درجه کنش متقابل و وابستگی که نیاز دارند تا یک منطقه از این دست ایجاد شود (تخصصی شدن تولید نواحی شهری و حرکات روزانه دیگر جمعیت)؛ ۳. راه‌هایی که آن را شکل می‌دهند (انتشار، ناپیوستگی یا آمیختگی) از طرف دیگر، در مدل منطقه کلانشهری سازمان‌یابی تکامل اقتصاد منطقه‌ای و ملی لحاظ نمی‌شود. همچنین این واقعیتی است که رشد اقتصادی در ابتدا در سطوح ملی/اجتماعی عمل می‌کند نه در سطح شهر/منطقه (Sorbino, 2010, 113-114).

تجربیات جهانی از بکارگیری مدل

از جمله مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است مطالعاتی است که شهرنشینی متغیر را در کشورهای با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متفاوت مورد بررسی قرار می‌دهد. در همین ارتباط مقالاتی در زمینه این موضوع فضایی انجام شده مربوط به ۹ کشور است که در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: مطالعات شهرگرایی انجام شده در ۹ کشور و مراحل شهرنشینی در کشورهای مورد مطالعه

نویسنده	دومین چرخه شهرنشینی	اولین چرخه شهرنشینی			نام کشور (عنوان مقاله)
		شهرگرایی	برگشت تمرکز	شهرنشینی	
Elli Heikkila	۱۹۹۰-۹۸	۱۹۶۵-۷۵	۱۹۵۵-۶۵	۱۹۴۱-۵۵	شهرنشینی متغیر در فنلاند
Tony Champion		۱۹۳۱-۹۱	۱۹۰۱-۲۱	۱۹۲۱-۳۱	شهرنشینی متغیر در بریتانیا
Thomas & Brad dearden		۱۹۳۹-۵۰		۱۹۵۰-۶۱	شهرنشینی متغیر در آلمان غربی
		۱۹۷۰-۸۷	۱۹۶۱-۷۰		
		۱۹۹۵-۲۰۱۰	۱۹۸۷-۹۵		
Tiit Tamaru		۱۹۹۰-۲۰۰۰		۱۹۵۰-۹۰	شهرنشینی متغیر در استونی
Corrado bonifazi – frank heins		۱۹۷۱-۹۹	۱۹۷۱-۹۹	۱۹۵۰-۷۱	شهرنشینی متغیر در ایتالیا
Gedik, Ayse		۱۹۸۰-۹۷	۱۹۸۰-۹۷	۱۹۵۵-۸۰	شهرنشینی متغیر در ترکیه
Hermanus s. Geyer		۱۹۸۱-۹۱	۱۹۸۰-۹۱	۱۹۵۱-۸۰	شهرنشینی متغیر در افریقای جنوبی
Debnach Mookherjee – Manie(H.S) geyer			۱۹۸۱-۹۱	۱۹۶۱-۸۱	شهرنشینی متغیر در هند
Tatiana Nefedova&Andrey Treyvish		۱۹۸۹-۹۹		۱۹۸۶-۱۴	شهرنشینی متغیر در روسیه
			۱۹۸۹-۹۹	۱۹۲۶-۸۹	

فنلاند تنها کشوری است که از اولین مرحله چرخه شهرنشینی به دومین چرخه که در مدل معرفی شده، وارد شده است. در مقایسه با سایر شهرهای اروپا، در فنلاند شهرنشینی با تأخیر شروع شده اما شروع آن با سرعت همراه بوده است. بین سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۵ فنلاند به سرعت در بین سه مرحله از مدل حرکت کرده است.

شهرنشینی ۵۵-۱۹۴۱، برگشت تمرکز در سالهای ۱۹۵۵ و تقریباً ۱۹۶۵، و شهرگزیزی ۱۹۷۵-۱۹۶۵. بعد از گذشت چند سال نرخ رشد برای هر سه طبقه شهرها برابر شد (۹۰-۱۹۷۵) و دومین مرحله شهرنشینی در سال ۱۹۹۰ شروع شده و تا ۱۹۹۸ ادامه داشته است.

در ایتالیا، ترکیه، جنوب آفریقا و هند پیشرفت در مرحله شهرنشینی تا مرحله برگشت تمرکز اتفاق افتاده است (جدول ۱). توسعه مناطق شهری در بریتانیا، آلمان غربی، استونی و روسیه انطباق دقیقی با مراحل بحث شده در مدل ندارند. در این کشورها شاهد مراحل پیوسته و غیرمنقطع نیستیم. نسبت به سه کشور دیگر برگشت به عقب در مراحل اولیه و یا رفتن به مراحل بالاتر را شاهد هستیم.

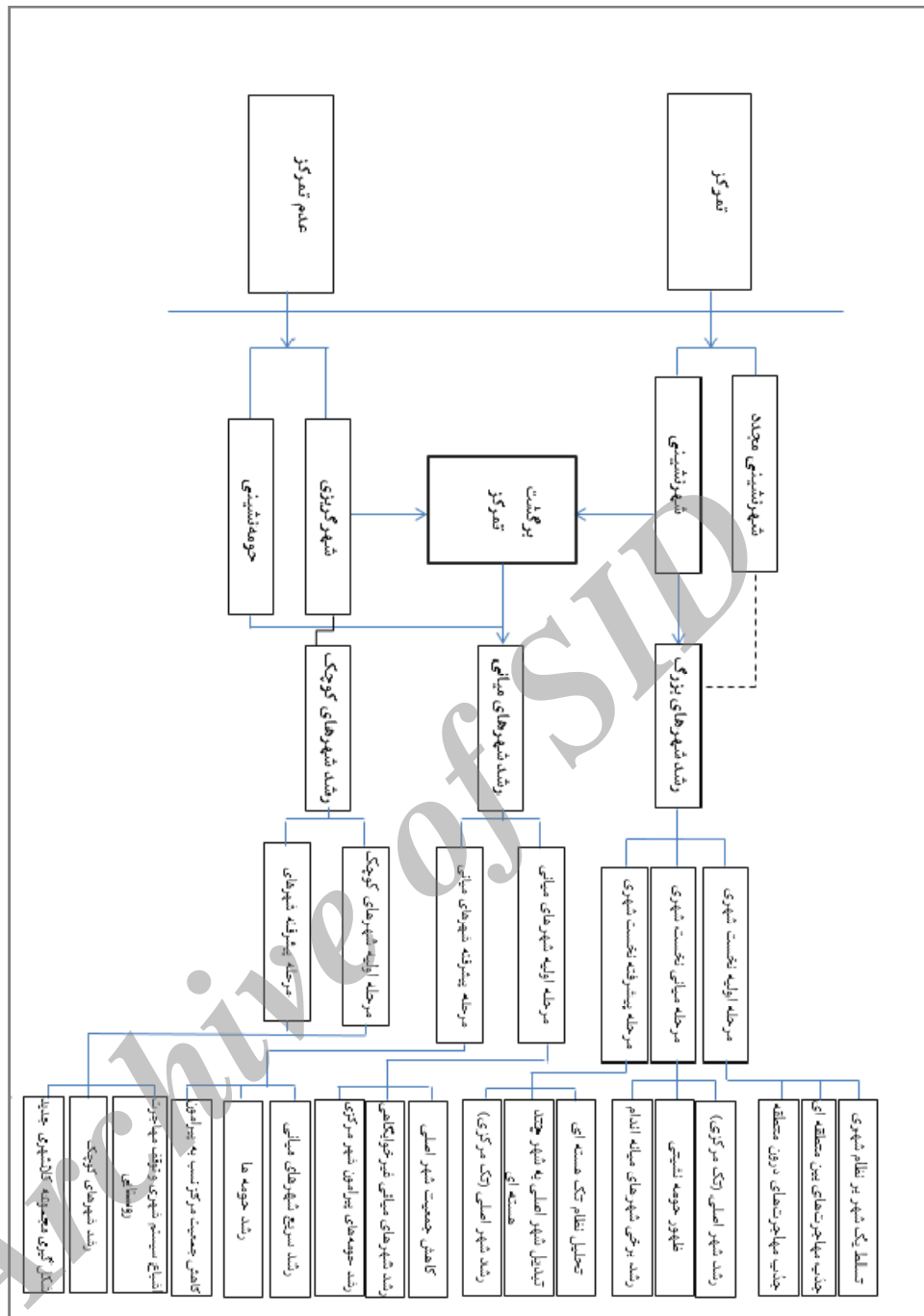
برای موارد آلمان غربی و روسیه دو جنگ جهانی اول و دوم، انقلاب روسیه و جنگ داخلی می تواند حرکت های معاصر را به مراحل پیشرفته شرح دهد. وقتی سیاست‌های اجتماعی و تحولات اقتصادی به دلیل جنگ به وجود آمده بود تمام شد، بحران مرتبط با آن، عدم تمرکز جمعیت را به وجود آورد و آلمان غربی و روسیه به مرحله شهرگزیزی وارد شدند. در استونی مرحله شهرگزیزی در بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰ با جریان‌های مهاجرت از شهرهای بزرگ و شهرک‌ها در طول دوره گذار شوروی مرتبط بوده است. سیاست الحاق آلمان در سال ۱۹۹۰ اساس ورود به مرحله برگشت تمرکز در آلمان غربی در دهه ۱۹۸۷-۱۹۹۵ و برگشت به مرحله شهرنشینی در بریتانیا در دهه ۳۱-۱۹۲۱ بوده است.

در این مقالات سنجش سیستماتیک مدل شهرنشینی افتراقی و چندین نویسنده ماهیت اکتشافی این موضوع را نشان داده‌اند و یافته‌ها حاکی از آن است که اینگونه موضوعات فضایی به‌عنوان اولین قدم است و بنابراین باید با احتیاط کامل تفسیر گردند. زمانی که مدل در واقعیت به کار گرفته می‌شود باید احتیاط کرد زیرا ویژگی‌های زمانی شهرنشینی متغیر مربوط به موقعیت‌های ایده‌آل هستند. جایی که نواحی شهری دارای پراکنش یکنواخت از لحاظ منابع و به تبع آن جمعیت هستند. وقتی در متن جهان واقعی مدل را ارزیابی می‌کنیم مهم است که شرایط محلی و تاریخی رشد شهر و کاهش الگوهای رشد در گروه‌های شهری در داخل گزارش به خوبی تفسیر شود.

نتیجه‌گیری

تفسیر پدیده شهرنشینی در طی دوره‌های تاریخی به‌واسطه به‌کارگیری نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون سعی داشته است تا این پدیده پویا را در قالب این تئوری‌ها مدل‌ها تفسیر کند. غالب این مدل‌ها سعی کرده‌اند تحولات شهری را در یک فرایند زمانی از مرکز به پیرامون مورد بررسی قرار دهند. همانطور که در بالا اشاره شد جریان مهاجرت‌ها در سیستم سکونتگاهی نیز نقش تعیین‌کننده در رشد و توسعه مراکز ایفا کرده است. با معرفی مدل شهرنشینی توسط جیر، مطالعه توسعه شهری در سطوح منطقه‌ای و ملی شکل دیگری به خود گرفت و این مدل توانست توسعه مراحل شهرنشینی در هر کشور را با توجه به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آن ترسیم و در نهایت، کشورهای با این تفاوت در ساختار را در قالب گراف‌ها و نمودارهای مشابه به مقایسه گذاشته و نوعی مطالعات تطبیقی انجام دهد. این مدل با قرار دادن مرحله برگشت تمرکز در بین دو مرحله شهرنشینی و شهرگریزی توانست مرحله‌ای از توسعه شهری را خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته که با مشکل رشد شتابان شهری و توسعه کلانشهری مواجه هستند مشخص و معرفی کند. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود شهرنشین متغیر در هر یک از مراحل شهرنشینی اشکالی را از توسعه کلانشهری و حومه‌نشینی ظهور می‌کند. در این مدل ظهور شهرهای تک هسته‌ای در اثر جذب جریان‌های مهاجرتی در مرحله شهرنشینی رخ می‌دهد که با رشد بالای شهر اصلی در مناطق کلانشهری همراه است. در مرحله میانی مدل، شهرنشینی به سمت تحلیل نظام تک هسته‌ای رفته و چند شهر بزرگ در کنار شهر اصلی ظهور می‌کند. در مرحله رشد شهرهای کوچک منطقه کلانشهری با رشد نواحی پیرامونی مواجه است که در مرحله پیشرفته آن می‌توان شاهد شکل‌گیری شهرهای چند هسته‌ای بود.

با توجه به ویژگی‌های مناطق شهری در هر دوره می‌توان ویژگی‌های مناطق کلانشهری را مشاهده می‌شود. از این رو با بهره‌گیری از تفسیرهای پیشنهادی مدل می‌توان مناطق کلانشهری را بررسی و آنها را با سطح ملی مقایسه نمود.



نمودار ۲: تفسیر مناطق کلانشهری در هر دوره از شهرنشینی متغیر

کتابشناسی

۱. حاجی‌پور، خلیل و اسفندیار زبردست، تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی مناطق کلانشهری، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۲۱-۱۰۵؛
۲. سعیدی، عباس (۱۳۷۴)؛ جغرافیای شهری چیست، مجله ادبیات دانشگاه مشهد، سال اول، شماره اول؛
۳. یزدانی، محمدحسن، نظریان، اصغر و احمد پور احمد (۱۳۸۶)؛ بررسی شهرنشینی دیفرانسیلی در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره اول، بهار، ۱۸۱-۲۰۵؛
4. Bonifazi, Corrado and Frank Heins(2003), Testing the differential urbanisation model for Italy, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 23-37;
5. Champion, Tony(2003), Testing the differential urbanization model in great Britain, 1901-91, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 11-22;
6. Gedik, Ayse(2003), Differential urbanisation in Turkey, journal of economic and social geography, 1955-97, Volume 94, Issue 1, pages 100-111;
7. Geyer H.S and T. Kontuly(2008). Global perspectives on urbanization, University Press of America;
8. Geyer, H. S. (2002a), "The Fundamental of Urban Space", International. Handbook of Urban Systems, Cheltenham, Edward Elgar, pp. 3-18;
9. Geyer, hermanus (1995), Expanding Theoretical foundation of differential urbanization, international regional science review, 44-58;
10. Geyer, Hermanus S. (2003), Differential urbanisation in South Africa – a further exploration, , journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 89-99;
11. Geyer, Hermanus S. and Thomas Kontuly(2002), A Theoretical Foundation for the Concept of Differential Urbanization, The City Critical Concept in Social Science, Edit by Michel Pacion, volum1, published by Routledge, 235-256;
12. Heikkila, Elli(2003), Differential urbanisation in Finland, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 49-63;
13. Kontuly, Thomas, and brad dearden(2003) Testing The Temporal characterizations of the differential urbanization model in western Germany, 1939-2010, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 64-74;
14. Mookherjee, Debnath(2003), Differential urbanization model: the case of a developing country, India 1961-91, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 38-48;
15. Nefedova, Tatyana and Andrei Treicish(2002), Differential urbanization in Russia, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue 1, pages 75-88;
16. Nefedova, Tatyana and Andrei Treivish (2003) Differential urbanization in Russia, journal of economic and social geography, 2003, vol. 94, pages 75-88;
17. Pacione, M. (ed), 1999, Applied Geography: Principles and Practice, First Published;
18. Pacione, M., (2005), Urban Geography, a Global Perspective, Routledge London, Second;
19. Sobrion, jame.(2010), Economic Structure and Business Organization in the Central Region of Mexico, in karl Kresl, peter(eds), Economic Strategies for Mature

- Industrial Economies, p112-136;
20. Tammaru, Tiit. (1999), Differential Urbanization and Primate City Growth in Soviet and Post-Soviet Estonia, *Journal of Economic and Social Geography*, Volume 91, Issue 1, pages 20-30;
 21. Townroe, Peter n and David Keen (1983) Polarization Reversal in the State of São Paulo, Brazil, *Regional Studies*, Vol. 18.1, pp. 45-54;
 22. Vining, D., Strauss, A., (1977), A demonstration that the current deconcentration of population in the United States is a clean break with the past. *Environment and Planning A* 9, 751-758.

Archive of SID